بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

ریزش کوه در جاده هراز جان یک زن را گرفت

ریزش کوه در جاده هراز جان یک زن را گرفت و ۵ نفر دیگر را هم راهی بیمارستان کرد. این حادثه حوالی ساعت ۷ صبح دوشنبه در محدوده نیاک رخ داد. به گفته مسئولان اورژانس حال تعدادی از مصدومان این حادثه وخیم است. ذکریا اشکپور، سخنگوی اورژانس مازندران با اعلام این خبر گفت: «ساعت ۷:۱۵ صبح دوشنبه خبر ریزش کوه و مصدومیت چند مسافر در جاده هراز حوالی منطقه نیاک به مرکز اورژانس آمل اعلام شد. با حضور پرسنل مشخص شد که در این حادثه سنگ‌های بزرگی از کوه بر روی سه خودروی سمند، پراید و ریو که در حال تردد در این مسیر بودند، ریزش کرده است.» او ادامه داد: «در این حادثه یک خانم در دم جان باخت. دو مرد و یک کودک هم که بشدت مجروح شده بودند، با بالگرد اورژانس به بیمارستان منتقل شدند. نیروهای اورژانس همچنین یک کودک هفت ساله و یک خانم هفتادوهفت ساله را هم که در این حادثه مصدوم شده بودند، با آمبولانس به مراکز درمانی منتقل کردند.»

بررسی چند پرونده از مرگ‌های خودخواسته که با انگیزه‌های پیش پاافتاده جان چند نوجوان را گرفت

تغییر الگوهای خودکشی در اوج جوانی با بهانه‌های پیش پاافتاده

شهروند| اینکه فردی به دلایل مختلف تصمیم به پایان‌دادن به زندگیش می‌گیرد، واقعا ناراحت‌کننده است، اما این ناراحتی و بهت‌زدگی زمانی دوچندان می‌شود که خودکشی‌ها به دلایل پیش پاافتاده‌ای رخ می‌دهد. اینکه پسر نوجوانی تنها به دلیل برآورده نشدن یک خواسته ساده مثل خرید خودرو از سوی خانواده دست به خودکشی می‌زند یا دختری به خاطر اینکه پدرش نمی‌تواند برای او گردنبند طلا بخرد، خودش را حلق‌آویز می‌کند، اینها به الگوهای جدید و البته عجیب خودکشی‌ها در چندوقت اخیر تبدیل شده است. درواقع انگیزه این افراد که عمدتا هم‌سن‌وسال کمی دارند، به نظر بچگانه می‌رسد، اما همین انگیزه به ظاهر بچگانه هم خانواده‌های زیادی را داغدار کرده است. پدر و مادری که با هزار امید و آرزو و با وجود مشکلات فراوان فرزندشان را بزرگ می‌کنند، اما یک روز با پیکر بی‌جان او مواجه می‌شوند که فقط به خاطر برآورده نشدن خواسته‌اش از سوی آنها اقدام به خودکشی کرده است. دلایل بچگانه‌ای که به گفته یک جامعه‌شناس به نبود آموزش‌های لازم برای تحمل شنیدن نظر مخالف برمی‌گردد.

حلقه‌دار برای موبایل و گردنبند

در چند ماه اخیر، حوادث مشابهی از نوع مرگ‌های خودخواسته رخ داده است. از تهران گرفته تا اصفهان و مشهد و حتی شهرستان‌های دورافتاده. اوایل مردادماه بود که پسربچه ۱۲ ساله‌ای به نام میثم در آبادان خودش را حلق‌آویز کرد. میثم که از شاگردان ممتاز مدرسه بوده، همراه مادر و خواهر ۵ساله‌اش به خاطر مشکلات مالی، زندگی سختی داشت. خانه آنها اجاره‌ای بود و مادر این پسربچه برای پرداخت اجاره‌خانه مجبور شده بود دوچرخه و گوشی موبایل میثم را بفروشد و این پسربچه هم از این کار بشدت ناراحت شده بود، خودش را در خانه حلق‌آویز کرد. به گفته یکی از دوستان میثم، او شب قبل از خودکشی در پیام عجیبی در اینستاگرامش نوشته بود: «در اوج جوانی، شدم یک روانی». هنوز چند هفته‌ای از انتشار این خبر نگذشته بود که حادثه مشابه دیگری این‌بار در تهران رخ داد. دختری ۱۲ ساله به دلیل اینکه نتوانسته بود خانواده‌اش را برای خرید یک گردنبند طلا راضی کند، خودش را با روسری حلق‌آویز کرد. این حادثه در نخستین روزهای ماه جاری رخ داد. ماجرا از این قرار بوده که این دختر یک زنجیر طلا را در یک سایت اینترنتی می‌بیند و از پدر و مادر خود می‌خواهد تا این زنجیر را برایش بخرند، اما خانواده با گفتن این موضوع که پول لازم برای خرید این زنجیر طلا را ندارند، از موضوع سرباز می‌زنند، اما کار به مجادله لفظی شدید می‌کشد و این دختر نوجوان هم قهر می‌کند و به اتاقش می‌رود. صبح روز بعد وقتی از این دختر خبری نمی‌شود، پدر و مادرش با شکستن در وارد اتاق می‌شوند و می‌بینند که دختر نوجوانشان با بستن روسری به دستگیره در و کمد خودش را حلق‌آویز کرده است.

کودکان و نوجوانان بی‌تحمل

اینها نمونه‌هایی از موارد متعدد خودکشی‌هایی هستند که بررسی دلایل و انگیزه‌های عاملان نوجوان و جوان آن واقعا تأمل برانگیز است. بهانه‌گیری‌های کودکی و نوجوانی نسل قبل درحال حاضر رنگ و بوی خونینی به خود گرفته است. در گذشته هم خانواده‌ها همواره در خدمت برآورده کردن خواسته‌های فرزندانشان نبودند، با معیارهای رفاه امروزی حتی شرایط زندگی در چند دهه قبل برای فرزندان در خانواده‌ها به مراتب دشوارتر از امروز بود. اما این که چرا برآورده نشدن درخواست فرزندان از سوی خانواده‌ها با چنین واکنش‌های جبران‌ناپذیری مواجه می‌شود، پرسشی است که لیلا ارشد جامعه‌شناس در پاسخ آن به «شهروند» می‌گوید: «فرزندان و نسل امروز ما از ابزارهای خود مراقبتی بی‌بهره هستند. در واقع آنها کم‌طاقت شدند و تحمل شنیدن «نه» را ندارند. این ابزارها درواقع همان سطح یک پیشگیری از آسیب‌ها و اختلالات روحی و روانی است که متاسفانه با وجود تأکید فعالان و صاحبنظران این حوزه بر لزوم توجه به سلامت روان جامعه به‌خصوص کودکان و نوجوانان در کشور ما کمترین توجهی به آن نمی‌شود.» به گفته این مددکار اجتماعی کودکان و نوجوانان با تکنیک‌های حل مسأله آشنایی ندارند، درواقع آنها نمی‌دانند وقتی خواسته آنها که به نظر خودشان به حق و منصفانه هم هست، از سوی خانواده نادیده گرفته می‌شود یا به دلایلی به تعویق می‌افتد، چطور باید با آن کنار بیایند. درحالی که در گذشته به صورت غیرمستقیم آموزش این تکنیک در خانواده‌ها انجام می‌شد: «در نسل‌های قبل همین که کودک می‌دید برای هر تصمیم مهمی در زندگی افراد خانواده یا همان بزرگترها دور هم جمع می‌شوند و بعد از گفت‌وگو و مذاکره تصمیم واحدی گرفته می‌شود که مورد پذیرش همه است، این آموزش صبر و صحبت کردن برای بیان درخواست و احیانا مخالفت جدی با خواسته‌ها را فرا می‌گرفتند. اما امروز چنین شرایطی در خانواده‌ها وجود ندارد.»

به عقیده این مددکار اجتماعی زمینه‌های شکل‌گیری چنین پدیده‌ای را باید در خانواده‌ها جست‌وجو کرد. خانواده‌هایی که به گفته او به دلایل مختلفی دچار نابسامانی شده‌اند: «مشکلات اقتصادی، بیکاری، فقر و اعتیاد از جمله دلایلی هستند که خانواده‌ها را دچار گسست می‌کند. البته نبود روابط محکم عاطفی هم از جمله دلایل سست شدن پیوندهای خانوادگی است. به‌طور کلی بروز چنین حوادثی در این گونه خانواده‌ها احتمال بیشتری دارد.» این جامعه‌شناس معتقد است که در مواردی هم آموزش غلط خانواده‌ها خود عامل زمینه‌ساز بروز چنین رفتارهایی از سوی فرزندان است. او در توضیح بیشتر می‌گوید: «اینکه بچه‌ها مهارت صبر کردن را فرا نمی‌گیرند یا نمی‌توانند خشم و ناراحتی خودشان را کنترل کنند، زمینه‌های خانوادگی هم دارد. برای مثال کودکی که مشغول دیدن کارتون از تلویزیون است از مادر می‌خواهد تا به او شکلاتی بدهد، این‌جا مادر باید به او گوشزد کند پس از پایان برنامه تلویزیون شکلات را به او می‌دهد، این تکنیک آموزش و تقویت صبر است که باید با رشد و افزایش سن کودک این روند ادامه داشته باشد. اما متاسفانه برخی خانواده‌ها به خاطر محبت و توجه زیاد به فرزندان آنها را ضعیف تربیت می‌کنند. کسی که از کودکی همه خواسته‌هایش در کوتاه‌ترین زمان و به بهترین شکل ممکن تأمین شده باشد، در نوجوانی یا جوانی نمی‌تواند برای تحقق خواسته‌های بزرگترش صبر کند. درواقع این رفتار والدین آستانه تحمل را در این افراد پایین نگه می‌دارد.»

دو خودکشی مشابه در تهران

اما ماجرای خودکشی‌های مشابه به همین جا ختم نشد، روز یکشنبه دو مورد مشابه دیگر هم در تهران رخ داد. این‌بار دو پسر جوان که هر دو ساکن مناطق مرکزی پایتخت بودند، به دلیل مخالفت خانواده‌ها با خواسته‌هایشان اقدام به خودکشی می‌کنند. در نخستین مورد که گزارش آن از سوی کلانتری ۱۱۲ ابوسعید به بازپرس کشیک قتل تهران اعلام شد، پسری ۱۹ ساله اقدام به خودکشی کرده بود که پسر به خاطر اینکه از خانواده‌اش تقاضا کرده بود تا او را به مسافرت ببرند اما آنها با این سفر مخالفت کردند، با خوردن قرص به زندگی‌اش پایان داده بود. مورد بعدی هم مربوط به پسر ۲۰ ساله ساکن حوالی میدان بهارستان بود که با خوردن قرص به زندگی‌اش پایان داد. این پسر جوان تنها به دلیل اینکه خانواده‌اش برای او خودروی مورد علاقه‌اش را نخریده بودند، دست به چنین اقدامی زده است.

استان

گزارش عملیات امداد و نجات در نخستین هفته شهریور ماه؛

انجام ۱۰۱ ماموریت امدادی توسط جمعیت هلال احمر استان اصفهان برای ۲۷۵ حادثه دیده

اصفهان - راعی

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان اصفهان از انجام ۱۰۱ عملیات امدادی و امدادرسانی به ۲۷۵ نفر در نخستین هفته شهریور ماه خبر داد. به گزارش خبرنگار ما از اصفهان؛ داریوش کریمی به گزارش از مرکز کنترل و هماهنگی عملیات امداد و نجات هلال احمر استان در هفته گذشته اشاره کرد و اظهار داشت: امدادگران و نجاتگران این جمعیت طی هفته گذشته ۱۰۱ عملیات امداد و نجات انجام داده‌اند و بر این اساس به ۲۷۵ تن از هموطنان امدادرسانی شده است. کریمی تصریح کرد: امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر موفق به نجات ۹۸ نفر در عملیات نجات و رهاسازی شدند که از این میان ۸۷ نفر برای ادامه روند درمان به مراکز درمانی منتقل شدند و ۱۱ نفر مصدوم نیز به صورت سرپایی مداوا شدند. وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: تعداد ۱۲۳ تیم عملیاتی و ۳۳۰ نیروی عملیاتی، با مجموع ۹۴ دستگاه آمبولانس در عملیات‌های یاد شده حضور داشته‌اند. معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان اصفهان در ادامه به حوادث تحت پوشش جمعیت هلال احمر استان در بازه زمانی سوم نهم شهریور ماه سال ۹۷ اشاره و خاطرنشان کرد: در این بازه زمانی ۴۸ حادثه جاده ای، ۲۰ حادثه شهری، ۲۴ مورد خدمات حضوری، ۷ حادثه صنعتی و کارگاهی و ۲ حادثه کوهستان توسط نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر استان پوشش داده شد.

استان

روند مطلوب تعالی سازمانی در پخش منطقه چهارمحال و بختیاری

به گزارش روابط عمومی شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه چهارمحال و بختیاری، جعفر سالای نسب مدیر پخش منطقه، با اشاره به دستاوردهای مختلف منطقه در دریافت گواهی نامه ها و ایزوهای بین المللی و حرکت رو به رشد پخش منطقه از سال‌های قبل تا کنون اظهار کرد پرداختن به فرآیند مدل تعالی سازمانی موجب انسجام و هماهنگی عملکرد واحدها می شود و اثرات خیر و ماندگاری را در سطح درون و برون سازمانی برجای می گذارد.

مدیر پخش منطقه چهارمحال و بختیاری با بیان اینکه منطقه چهارمحال و بختیاری در راستای پیاده سازی مدل تعالی سازمان از اول تیر ماه سال جاری فعالیت مستمری را آغاز کرده است گفت با همکاری منسجم مسئولین واحدها، اظهارنامه مدیریت تعالی سازمانی پخش منطقه چهارمحال و بختیاری مطابق با شاخص های تعریف شده مبتنی بر روش EFQM تدوین و به ستاد شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران ارسال شده است.

سالاری نسب افزود از ماه های آغازین شروع فرایند پیاده سازی مدل EFQM در شرکت مسئولین و کارشناس های پخش منطقه در قالب کارگروه های رهبری و استراتژی، مشتری، مالی، فرآیندها، کارکنان، شرکا، دارایی و جامعه با تمرکز بر شاخص ها و اظهارنامه انجام شده در پی تامین اهداف مدل تعالی سازمانی و سرآمدی شرکت گام هایی اساسی برداشته اند.

استان

آیین اختتامیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استان گلستان با حضور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان و جمع کثیری از هنرمندان پیشکسوت و جوان و هنردوستان در عصر روز پنجشنبه ۱۵ شهریور ماه در سالن اصلی تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار شد.

محمدعلی شربتدار: گلستان| به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، با پخش کلیپی از زندگی و آثار هنرمند فقید "عطاالله صفرپور"، اجرای قطعه ای موسیقی توسط هنرمند گلستانی "محمود یوسفی" و هنرنمایی و سیاه بازی "یاسین رضوانی" آیین اختتامیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استان گلستان آغاز شد. در ادامه مراسم عادله کشمیری مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان با حضور در جایگاه ضمن ادای احترام به زنده نام "عطاالله صفرپور" و قدردانی از تلاش و مساعی هنرمندان و عوامل اجرایی جشنواره، مطالبی را درباره ظرفیت و پتانسیل تئاتر در بیان اندیشه ها و تاثیر مستقیم بر روی مخاطب ابراز داشت. سپس "محمد حسن رستمانی" رییس انجمن هنرهای نمایشی گلستان به ارائه گزارش عملکردی از فعالیت های انجمن و ستاد جشنواره پرداخت و "فارس باقری" یکی از داوران جشنواره با کلامی صمیمی نکاتی را پیرامون امر آموزش و آموزشی پذیری هنرمندان، توجه و بهره مندی از ظرفیت دانش آموختگان و با تجربه ها و ارتباط برقرار کردن با مردم از طریق اجراهای مستمر به سمع حاضران در سالن رساند. این گزارش می افزاید: اجرای استندآپ کمدی توسط "علی غریب" و دف نوازی به سرپرستی "زهرا یوسفی" از دیگر برنامه های آیین اختتامیه بیست و نهمین جشنواره تئاتر استان گلستان بود.

تامین هزینه‌های زندگی با حساب عابر بانک دیگران؛

منصرف کردن طعمه‌ها از ادامه کار با دستگاه

زبانش لکنت دارد. او را به جرم سرقت دستگیر کرده‌اند. شگرد سرقتش اما کمی عجیب و غریب است. مراجعه‌کنندگان به دستگاه عابربانک را فریب می‌داد. از حسابشان پول‌های میلیونی به حساب خودش واریز می‌کرد و با این شیوه به راحتی پولدار می‌شد. از ایلام به تهران آمده و بعد از اینکه نتوانست شغل پردرآمدی به دست آورد، تصمیم به انجام این کار گرفت. مرد ۳۰ ساله‌ای که درآمد پیک موتوری برایش کم بود و نتوانست کفاف زندگی‌اش را بدهد، برای همین تصمیم گرفت از حساب‌های مردم هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند. او صبح دیروز در حیاط پلیس پیشگیری تهران، به سوالات خبرنگار «شهروند» پاسخ داد:

• چند سال داری؟

۳۰ سال.

• شغلت چیست؟

پیک موتوری هستم.

• چرا تصمیم به سرقت گرفتی؟

تقریبا ۷ سال پیش بود که از شهرستانمان ایلام به تهران آمدم. به امید کار و درآمد بهتر. آن زمان تازه ازدواج کرده بودم و باید هزینه‌های زندگیمان را تأمین می‌کردم. برای همین به دنبال کار مناسب گشتم ولی پیدا نکردم. تصور می‌کردم با آمدنم به تهران خیلی چیزها تغییر می‌کند، ولی نشد و من هر روز در سختی زندگی کردم. به دلیل لکنت زبانم هم هرجایی به من کار نمی‌دادند، برای همین تصمیم گرفتم سرقت کنم

• با چه شگردی سرقت می‌کردی؟

اطراف عابربانک‌ها پرسه می‌زدم. هرکس که به دستگاه مراجعه می‌کرد، بعد از واردکردن رمزش با این جمله که این دستگاه کارت را می‌خورد یا فیش واریز نمی‌دهد، باعث می‌شدم آنها از کار خود منصرف شوند و با رهاکردن کارت عابربانکشان درحالی که رمز را وارد کرده بودند، می‌رفتند. من هم از حسابشان پول به حساب خودم واریز می‌کردم.

• یعنی به همین راحتی کارت عابربانکشان را رهامی‌کردند؟

از هر ۱۰۰ نفر شاید یک‌نفر از روی حواس‌پرتی یا تصور این مسأله که دستگاه کارتش را خورده است، می‌رفت. من هم بلافاصله دست به کار می‌شدم و پول به حساب خودم واریز می‌کردم.

• حالا چرا با این شیوه؟

قبلا کیف‌قاپی می‌کردم. یک‌بار هم دستگیر شدم و به زندان افتادم. چند وقت پیش این شیوه به ذهنم رسید. با خودم گفتم می‌توانم مردم را فریب دهم و حسابشان را خالی کنم.

• از هر کس چقدر پول سرقت می‌کردی؟

بستگی به میزان حسابش داشت. مثلا از ۱۰۰ هزار تومان گرفته تا دو میلیون تومان پول منتقل می‌کردم.

سارق میانسال برای شناسایی نشدن لباس رفتگرها را می‌پوشید

دزدی‌های سریالی مرد جارو به دست

لباس رفتگری تهیه کرده و با گرفتن یک جارو در دستانش پلیس و مردم را فریب می‌داد. بعد از آن هم در یک فرصت مناسب با همان لباس رفتگری‌اش، پشت موتور مردم می‌نشست و پا به فرار می‌گذاشت. موتورها را سرقت می‌کرد و با فروختن آنها هزینه اعتیاد و زندگی‌اش را تأمین می‌کرد. این مرد ۵۰ ساله درست هنگام سرقت یک موتورسیکلت بود که از سوی ماموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر شناسایی و دستگیر شد. او در گفت‌وگو با «شهروند» جزییات ماجرای سرقت‌هایش را روایت کرد:

• از چه زمانی سرقت‌هایت را شروع کردی؟

تقریبا یک ماه پیش بود که تصمیم به سرقت گرفتم.

• چرا؟

بی‌پول بودم. خرج زندگی‌ام تأمین نمی‌شد. همسر و دو فرزندم از من توقع داشتند و نمی‌توانستم از پس توقعاتشان بربیایم. باید هرطور شده، پول جور می‌کردم، برای همین تصمیم به سرقت گرفتم.

• اعتیاد داری؟

بله. چند وقتی می‌شود که به هرویین و شیشه معتاد شده‌ام.

• پس برای تأمین هزینه موادت دست به سرقت می‌زدی؟

اعتیادم هم خرج داشت و باید پول مواد را تهیه می‌کردم.

• چطور سرقت می‌کردی؟

در خیابان‌ها پرسه می‌زدم و موتورسیکلت می‌دزدیدم.

• چرا لباس رفتگری می‌پوشیدی؟

با این کار هیچ‌کس به من شک نمی‌کرد. هربار ماشین یا مامور پلیس از کنارم رد می‌شد، با من خوش‌وبش می‌کرد و یک خسته نباشید هم به من می‌گفت، چون معمولا شب‌ها دیروقت در خیابان‌ها پرسه می‌زدم، برای اینکه کسی به من شک نکند، این لباس را می‌پوشیدم. جارو هم به دست می‌گرفتم تا بتوانم طبیعی جلوه کنم. اگر این لباس را نمی‌پوشیدم، ممکن بود زودتر گیر بیفتم.

• چطور شد که دستگیر شدی؟

در حال سرقت بودم. داشتم سوار یک موتورسیکلت می‌شدم و مشغول روشن کردن آن بودم که گشت کلانتری مرا دید و به من مشکوک شد. نتوانستم توضیح قانع‌کننده‌ای بدهم. برای همین دستگیر شدم.

• با موتورهای سرقتی چه کار می‌کردی؟

آنها را به یک مالخر می‌فروختم و خرج زندگی‌ام را تأمین می‌کردم.

• چرا فقط موتور سرقت می‌کردی؟

چون مالخری که می‌شناختم، فقط در کار موتور بود و موتورسیکلت‌ها را با قیمت خوبی از من می‌خرید.

• چند بار سرقت کردی؟

حدود اسه یا چهار بار سرقت کردم که دستگیر شدم.

• سابقه داری؟

قبلا به جرم حمل مواد مخدر دستگیر شده بودم.